

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال چهاردهم- شماره چهارم- زمستان ۱۴۰۳- شماره پيوسته ۴۶

بررسی فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی با رویکرد واج‌شناسی خودواحد

(ص ۷۳-۱۰۳)

مژگان هوشمند (نویسنده مسئول)،^۱ ساناز دقت^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۰

چکیده

واج‌شناسی خودواحد با تمرکز بر روابط بین واحدهای واجی، چارچوب تحلیلی پیشرفته‌ای برای درک پیچیدگی‌های نظام‌های آوایی است که با ارائه بازنمای غیرخطی، بررسی فرایندهای مختلف را به طور دقیق‌تری ممکن می‌سازد. این پژوهش به بررسی فرایندهای واجی گویش کوهمره سرخی، که در جنوب شهرستان شیراز در استان فارس رایج است، با رویکرد واج‌شناسی خودواحد می‌پردازد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی داده‌های جمع‌آوری شده از دو کتاب «دستور زبان و فرهنگ کوهمره سرخی» و «ایل ناشناخته» و همچنین ضبط گفتار و مصاحبه با ۲۴ گویشور محلی پرداخته است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از الفبای 'IPA' آوانویسی و قواعد واجی موجود در آن‌ها استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس واج‌های استخراج شده بررسی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این گویش، اصل گسترش، شامل فرایندهای همگونی همخوان با همخوان، واکه با واکه و همخوان با واکه و همچنین درج، به‌طور قابل توجهی مشاهده می‌شود. در مقابل، فرایندهای قطع شامل حذف است که می‌تواند به طور کامل رخ دهد یا با کشش جبرانی همراه باشد. کشش جبرانی به‌عنوان یک ویژگی مهم در این گویش شناسایی شده است. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از اعمال فرایند کوتاه‌شدگی نیز هستند. تحلیل داده‌ها نشان داد واج‌شناسی خودواحد امکان تبیین فرایندهای مختلف واجی در این گویش را داراست.

کلمات کلیدی: واج‌شناسی خودواحد، فرایندهای واجی، گسترش، قطع، گویش کوهمره سرخی.

۱. استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Email: mhooshmand78@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

Email: sanazdegthat@ymail.com



۱. مقدمه

زبان، عنصری انکارناپذیر است که نه تنها هویت یک ملت را بازتاب می‌دهد، بلکه سرمایه‌هایی ارزشمند و بخش جدایی‌ناپذیری از گنجینه فرهنگی محسوب می‌شود. عناصر بنیادین فرهنگ‌ها از جمله سرمایه‌های انسانی، هنگامی که در معرض تهدید نابودی قرار می‌گیرند، ممکن است به‌طور کامل از میان بروند؛ لذا ضروری است تا با مستندسازی و ضبط آن‌ها از انقراض کامل جلوگیری شود. با توجه به اینکه گویش‌های محلی در سراسر کشور ایران، پیوسته در برابر زبان فارسی معیار، رو به زوال هستند و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها در حال نابودی است و گویشوران میراث تاریخی خود را به فراموشی می‌سپارند، ثبت و مستندسازی گویش‌ها اهمیت می‌یابد. بنابراین، این پژوهش با هدف شناسایی، حفظ و نگهداری گویش کوهمره سرخی انجام شده است.

کوهمره، سلسله جبال وسیعی در استان فارس است که در آن، روستاها و قبایل کوهنشین متعددی وجود دارند. کوهمره در تقسیمات سنتی، به کوهمره پشت‌کوه (فشقویه یا نودان)، کوهمره جروق، کوهمره شکان و کوهمره سرخی تقسیم می‌شود. امروزه طبق تقسیمات کشوری، کوهمره سرخی جزو بخش حومه شهرستان شیراز محسوب می‌شود (نک. شهبازی، ۱۳۶۶: ۴۳). این دهستان که در جنوب شهرستان شیراز است از شرق به فیروزآباد، از غرب به کازرون و از شمال به شیراز محدود است. تاریخ کوهمره به دوران ساسانیان و پیش‌تر از آن بازمی‌گردد. ریشه تاریخی طایفه خواجهگان به دیران دربار در پادشاهی هخامنشی پیوند می‌یابد که بسیاری از خویشاوندان آن‌ها در سراسر استان فارس، خصوصاً کازرون و شهرستان‌های دیگری چون شیراز، بیضا، کوار، سپیدان، فیروزآباد و غیره پراکنده است. بررسی آواشناختی، ساخت‌واژه و ساخت فعل، به‌ویژه ارگاتیو بودن گویش کوهمره نشان می‌دهد که این گویش به شاخه زبان‌های جنوب فارس تعلق دارد و شاخه‌ای از پارسی پهلوی (زبان حاکم بر پارس در زمان ساسانیان) است که با زبان لارستانی شباهت دارد، اما خاص کوهمره بوده و فقط کوهمره‌ای‌ها به این گویش سخن می‌گویند (همان: ۳۷).

تنوعات زبانی در فارسی، به‌ویژه تمایز میان گونه‌های معیار و غیرمعیار، از نظر نظام آوایی تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهد (پرمون، ۱۳۸۸). گونه معیار به دلایل اجتماعی و زبانی، کمتر تحت تأثیر فرایندهای واجی و ساده‌سازی‌های آوایی قرار می‌گیرد اما گونه‌های غیرمعیار زبان فارسی اغلب دارای پیچیدگی‌های آوایی بیشتری هستند که در فرایندهای واجی متنوعی مانند ناهمگونی، همگونی، حذف، درج و قلب نمود پیدا می‌کند. رویکرد واج‌شناسی خودواحد (Autosegmental Phonology) قابلیت بررسی فرایندهای واجی در گویش‌ها، از جمله گویش‌های زبان فارسی را دارد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی را از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد بررسی کرده و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی چگونه عمل می‌کنند؟
۲. این فرایندها در این گویش بر اساس رویکرد واج‌شناسی خودواحد چگونه بازنمایی می‌شوند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه زبان‌شناسی، سیاق گفتاری زبان به‌عنوان شکل زنده‌تر و اولیه نسبت به سیاق نوشتاری محسوب می‌شود (نک. حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۱۶). واحدهای آوایی پس از ترکیب با یکدیگر در قالب هجا، در اثر هم‌نشینی و تأثیر متقابل، دستخوش تغییراتی می‌گردند (حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۱۳۶). «این فرایندهای واجی نمایانگر رابطه میان ویژگی‌های سطح آوایی زبان و سطح واجی است» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۴: ۱۰۸).

در مورد فرایندهای واجی در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی مطالعات گوناگون و فراوانی صورت گرفته است. این تحقیقات بیشتر بر اساس رویکرد واج‌شناسی زایشی و نظریه بهینگی است، اما تحقیقاتی که مشخصاً از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد به فرایندهای عناصر واجی پرداخته‌اند، اندک‌اند. در ادامه، به اجمال به تعدادی از این پژوهش‌ها که در حوزه واج‌شناسی زبان فارسی و گویش‌های آن به نگارش درآمده‌اند اشاره خواهد شد.

لازار (۱۹۹۲) در کتاب خود به ارائه چند نمونه از کلماتی که در آن حذف صورت گرفته است، اکتفا می‌کند. مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴)، واژه‌های فارسی معیار و همخوان‌های چاکناپی را بررسی کرده است. بی‌جن‌خان (۱۳۸۴) به بررسی فرایند حذف در چارچوب نظریه بهینگی می‌پردازد. زارع و رنجبر (۱۳۸۷)، در مورد فرایند همگونی در گویش جهرمی در چارچوب نظریه هندسه مشخصه‌ای کلمنتس (Clements) پژوهشی انجام داده‌اند. پارسا نسب (۱۳۹۰)، پس از توصیف ویژگی همخوان‌ها و واکه‌های گویش تاتی اشتهاردی فرایندهای واجی ابدال، حذف، اضافه و قلب در این گویش را بررسی کرده است. امیری و زارعی (۱۳۹۳)، واج‌شناختی گویش آباده‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند.

زارعی‌فرد و جهانیان (۱۳۹۵)، در مورد فرایندهای واجی و آوایی لهجه شیرازی پژوهشی انجام داده‌اند. رنجبر (۱۳۹۹)، فرایندهایی واجی گویش کوهمره سرخی را به‌صورت خطی بررسی و تحلیل کرده است. سلندری رابری (۱۳۹۹)، بر مبنای نظریه بهینگی به بررسی فرایندهای واجی حذف و درج در گویش شهرستان رابر پرداخته‌اند. عزت‌آبادی‌پور و محمودآبادی (۱۴۰۰)، به بررسی فرایند تضعیف در واژگان از فارسی میانه به فارسی دری در چارچوب واج‌شناسی زایشی پرداخته‌اند.

مطالعاتی در زبان فارسی و گویش‌های آن بر اساس نظریه واج‌شناسی خودواحد انجام شده است. پرمون (۱۳۷۶) فرایندهای کشش واکه و مرکزی شدگی را در گویش کرمانی در این چارچوب مورد بررسی قرار داده است. صادقی (۱۳۷۹) نیز در این چارچوب به بررسی فرایندهای واجی گویش فارسی تهرانی پرداخته است. یکی از شناخته‌شده‌ترین تألیفات در این زمینه، کتاب واج‌شناسی رویکردهای

قاعده‌بنیاد، نوشته کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵) است که نگارندگان پژوهش حاضر از این اثر الهام گرفته‌اند.

کامبوزیا در این اثر به تفصیل فرایندهای واجی در زبان فارسی را از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد بررسی کرده است. همچنین کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله خود به شناسایی برخی از فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش لری بالاگریوه و مقایسه آن با فارسی معیار بر اساس رویکرد خودواحد پرداخته‌اند.

مهدوی (۱۳۸۹) فرایند همگونی را در گونه اصفهانی بر اساس نظریه خودواحد مورد بررسی قرار داده است. پوراصفهانی و فاتحیان (۱۳۸۹) در گویش مشهدی، فرایندهای واجی را بر اساس رویکردهای خطی و غیرخطی تصویر کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد واج‌شناسی خودواحد، قادر به تبیین فرایندهایی همچون همگونی، درج و حذف است، در حالی که فرایندهایی مانند ابدال، ناهمگونی و قلب در چارچوب این نظریه قابل تبیین نیستند.

کرد زعفرانلو کامبوزیا و رزم‌دیده (۱۳۹۱) به بررسی فرایند تضعیف در گونه‌های زبانی مختلف استان کرمان پرداخته و نتیجه می‌گیرند که از میان فرایندهای تضعیف، فرایند حذف بیشترین بسامد را دارد. میکده (۱۳۹۵) از منظر واج‌شناسی خودواحد، فرایندهای واجی هماهنگی واکه‌ای، ناهماهنگی واکه‌ای و درج را در گویش فریمانی بررسی کرده و به کارآمدی این رویکرد در بررسی فرایندهای مذکور اشاره کرده است.

خلیفه‌لو و عزت‌آبادی پور (۱۴۰۱) نیز فرایند تضعیف در گویش سیرجانی را از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسند که در این گویش، اصل گسترش به صورت فرایندهای سایشی‌شدگی همخوان انسدادی، همگون‌سازی جایگاه تولید و واکداری رخ می‌دهد و اصل قطع نیز در قالب حذف همخوان تحقق می‌یابد.

۲-۱. مبانی نظری

نظریه واج‌شناسی خودواحد یکی از رویکردهای برجسته نوین در تحلیل ساختارهای زبانی محسوب می‌شود که نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط گلدسمیت (Goldsmith) برای توصیف نواخت در زبان‌های نواختی (tone languages) معرفی گردید. وی با پژوهش در زبان‌های نواختی، واج‌شناسی خودواحد را به صورت یک حوزه مستقل در واج‌شناسی زایشی مطرح کرد و سپس آن را به زبان‌های آهنگین تعمیم داد. وی اظهار داشت که این رویکرد در حقیقت حوزه‌ای از واج‌شناسی زایشی است. واج‌شناسی زایشی در سال ۱۹۶۸ با معرفی اثر معروف نوام چامسکی و مورس هله آغاز شد و بعدها به واج‌شناسی زایشی معیار و انگاره آوایی زبان انگلیسی مشهور گردید. (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۸).

هله و چامسکی در واج‌شناسی زایشی، انگاره (The Sound Pattern of English) مطرح نمودند. هدف آن‌ها از ارائه نظام مشخصه‌ای SPE، طبقه‌بندی تقابل‌های واجی در زبان بود. نکته قابل توجه در این انگاره، جنبه ریاضی گونه عملیات آن است که با بازنویسی واحدهای واجی به صورت ماتریسی همراه با مشخصه‌های دوازدهی مطرح شد. آن‌ها واحدهای واجی و قواعد آن را به صورت خطی تجزیه و تحلیل کردند. در زبان‌شناسی سنتی، واحدهای واجی یک زبان به صورت زنجیره‌ای و پشت سر هم در نظر گرفته می‌شوند؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه بر روی یکدیگر قرار نمی‌گیرند و هم‌پوشانی ندارند. با این حال، چنین نگرشی در بازنمایی عناصری مانند نواخت و تکیه -به‌ویژه در زبان‌های نواختی و آهنگین- با چالش‌هایی همراه بوده و همچنان نیز هست. این محدودیت‌ها موجب شد تا زبان‌شناسانی مانند گلدسمیت، نظریه غیرخطی بودن واحدهای واجی را مطرح کنند. در رویکرد واج‌شناسی خودواحد، ساختار اصولی و زیربنایی نظام آوایی زبان‌های انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این چارچوب، بازنمایی‌های واجی در لایه‌های مجزا انجام می‌شود؛ شیوه‌ای که یکی از نقاط قوت این نظریه در مقایسه با چارچوب SPE به شمار می‌آید. مهم‌ترین ضعف SPE در خطی بودن بازنمایی واجی آن نهفته است. در این نظام، واج‌ها و مرزهای واجی در قالب توالی‌ای خطی نمایش داده می‌شوند، که در آن مرزها بازتابی از سلسله‌مراتب نحوی هستند (نک. اسلامی، ۱۳۸۴: ۹۹).

زبان‌شناسانی چون کلمنتس (۱۹۸۵)، هله (۱۹۹۲) و کنستوویچ (۱۹۹۴) به نارسایی‌های مدل‌های خطی پیشین در تبیین جنبه‌های پیچیده نظام‌های واجی اشاره کرده‌اند. پیروان واج‌شناسی خودواحد معتقدند که مدل‌های زایشی پیشین نمی‌توانند آنچه را که در ذهن سخنگویان یک زبان وجود دارد به درستی بازنمایی کنند (نک. کنستوویچ و کیسه‌برت، ۱۹۷۹).

واج‌شناسی خودواحد یک نظریه غیرخطی است. درواقع تمایز بارز بازنمایی خودواحد و بازنمایی خطی در این است که بازنمایی‌های خطی از یک زنجیره از واحدهای واجی تشکیل شده‌اند، اما در بازنمایی خودواحد، دو لایه یا بیشتر از واحدهای واجی در نظر گرفته می‌شوند که مشخصه‌های هر لایه با لایه دیگر متفاوت است (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۴۱). در این رویکرد هر مشخصه یا گروهی از مشخصه‌ها که در یک زبان، نقش واجی ایفا می‌کنند، در یک لایه قرار می‌گیرند. بنابراین، مشخصه‌ها در واج‌شناسی خودواحد، استقلال و موجودیت خاص خود را دارند.

کلمنتس (۱۹۸۵) استدلال می‌کند که مشخصه‌های واجی دارای ساختاری چندلایه‌ای و سلسله‌مراتبی هستند. در این الگو، لایه ریشه نقش محوری دارد و همچون لنگری، سایر لایه‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد. این لایه ریشه می‌تواند به یک همخوان، واکه در لایه همخوان-واکه و یا به یک لایه زمان‌مند متصل باشد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵).

استقلال واجی در واج‌شناسی خودواحد به این صورت توصیف و تبیین می‌شود که هر عنصر واجی مستقل، باید روی یک لایه واجی مستقل قرار گیرد و هر عنصر واجی^۲ مستقل از سایر عناصر، به تنهایی یک خودواحد است. بنابراین، مفهوم لایه در واج‌شناسی خودواحد یک ابزار برای توصیف استقلال یک یا چند عنصر واجی از سایر عناصر واجی است (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۴۱).

مفهوم لایه در واج‌شناسی خودواحد یک ابزار نظری برای توصیف استقلال یک یا چند عنصر واجی از سایر عناصر واجی است. عنصری که مستقل از سایر عناصر است، به عنوان لایه خودواحد مطرح می‌شود (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۴۵). اسلامی بر این باور است که واج‌شناسی خودواحد، رهیافتی است که در چارچوب واج‌شناسی غیرخطی شکل گرفت و این نظریه برخلاف SPE، هجا را نیز در تحلیل واجی وارد کرد تا تبیین نواخت و تکیه امکان‌پذیر شود (اسلامی، ۱۳۸۴، نقل از اندرسون ۱۹۸۴: ۱۳). گلداسمیت برای اینکه نشان دهد که کدام نواخت متعلق به کدام واکه است از خطوط پیوندی (Association lines) جهت ارتباط میان لایه‌ها و واحدهای مربوطه استفاده می‌کند. در واقع، هر عنصر واجی روی یک لایه واجی مستقل مستقر می‌شود و عنصر واجی به تنهایی، یک خودواحد است. طبق این اصول پیوندی، این پیوند به صورت یک به یک از چپ به راست است (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۶۴).

مک‌کارتی (۱۹۸۸: ۸۸) دو عمل و دو محدودیت اساسی را در واج‌شناسی غیرخطی معرفی می‌کند. عملگرها شامل گسترش و قطع می‌شوند.

۱. گسترش (افزودن خطوط پیوندی) به معنای انتقال یک یا چند مشخصه واجی از یک واحد به واحد دیگر است.

۲. حذف (قطع خطوط پیوندی) حاکی از فرایندی است که طی آن مشخصه‌های واجی از ساختار آوایی حذف می‌شوند.

همچنین محدودیت‌هایی بر این فرایندها اعمال می‌شود که شامل قاعده خطوط پیوندی و اصل مرز اجباری است. بر اساس این محدودیت‌ها خطوط پیوندی نباید یکدیگر را قطع کنند و دو خودواحد یکسان نمی‌توانند مجاور هم باشند.

بنابر آنچه گفته شد، واج‌شناسی خودواحد چارچوب تحلیلی پیشرفته‌ای را برای درک پیچیدگی‌های نظام‌های آوایی فراهم می‌کند. این رویکرد، امکان تحلیل دقیق‌تر فرایندهای آوایی در گونه‌های مختلف زبانی را میسر می‌سازد و فهم عمیق‌تری از ساختارهای زبانی ارائه می‌دهد.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش، که به شیوه‌ای میدانی به بررسی نظام واجی گویش کوهمره سرخی می‌پردازد، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که در آن تلاش شده تا داده‌های این گویش بر اساس چارچوب واج‌شناسی خودواحد تحلیل شوند. برای گردآوری داده‌ها، افزون بر اطلاعات اولیه که از دو منبع مکتوب «دستور زبان و فرهنگ کوهمره سرخی» تألیف دکتر سعید حسام‌پور (۱۳۹۰) و عظیم جبار، و «ایل ناشناخته» نوشته عبدالله شهبازی (۱۳۶۶) استخراج شد، با ۲۴ نفر از گویشوران زن و مرد این منطقه که عمدتاً در محدوده ۴۰ تا ۶۰ سال و دارای سطح سواد ابتدایی یا بدون تحصیلات دانشگاهی بودند، مصاحبه صورت گرفت. روش جمع‌آوری داده‌ها به این صورت بود که جملاتی به زبان فارسی معیار برای گویشوران خوانده و از آن‌ها خواسته شد معادل همان جملات را به گویش خود بیان کنند. علاوه بر این، گفت‌وگوهای محاوره‌ای این افراد نیز ضبط گردید. در گام بعد، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از الفبای آوانگاری بین‌المللی (IPA) ثبت و فرایندهای واجی استخراج شد. سپس، تحلیل نهایی داده‌ها بر پایه اصول نظریه واج‌شناسی خودواحد انجام پذیرفت.

۲. بررسی و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا اصل گسترش در گویش کوهمره سرخی از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد توصیف می‌شود، سپس به بررسی اصل قطع و عملکرد آن در این گویش پرداخته می‌شود.

۲-۱. فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی بر اساس اصل گسترش

۲-۱-۱. همگونی (assimilation): گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگر، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرایند را که شاید یکی از جهانی‌های آوایی باشد همگونی گویند (حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۱۵۲). در نظریه واج‌شناسی خودواحد، همگونی فرایندی است که در آن یک واحد واجی به واحد واجی مجاور در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شود. از دیدگاه مک‌کارتی (۱۹۸۸)، همگونی به معنای گسترش یک مشخصه بر حوزه‌ای وسیع‌تر از یک واج است. این فرایند که بخشی از توانش زبانی محسوب می‌شود، منجر به تغییرات کیفی در ساختار آوایی می‌شود و از طریق قواعد واجی توجیه می‌گردد (کردزغفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵). در ادامه انواع همگونی مشاهده‌شده در داده‌های گویش کوهمره سرخی بررسی می‌شود.

۱-۱-۲. همگونی همخوان با همخوان

در این بخش به بررسی فرایند همگونی همخوان با همخوان در این گویش در چارچوب نظریه خودواحد پرداخته می‌شود.

الف) همگونی جایگاه تولید

در این نوع همگونی در گویش کوهمره یک همخوان خیشومی در جایگاه تولید آن واج با یک واج دهانی که پس از آن آمده است، همگون می‌شود.

جدول (۱): نمونه‌هایی از همگونی /n/ با همخوان بعدی در جایگاه تولید

واژه	واج نویسی	آوانویسی
تباکو	/tænbaku/	[tæmbaku]
دنبه	/donbe/	[ðome]
سیلی	/tælænguʃi/	[tælænguʃi]
خیار	/balæng/	[balæŋg]
بادمجان	/badendʒan/	[bademdʒun]

با دقت در مثال‌های جدول (۱) مشاهده می‌شود که پس از خیشومی /n/، انسدادی /b/ با مشخصه اندام تولید لبی قرار دارد و واج /n/ در این مشخصه با همخوان پس از خود همگون شده و تبدیل به واج /m/ شده است. همچنین همگونی این واج با واج کامی پس از خود نیز مشاهده می‌شود. در ادامه، قاعده همگونی در مشخصه محل تولید در واژه‌هایی مانند «تلنگوشی» و «بالنگ» در این گویش به صورت خطی نشان داده می‌شود.

$$n \rightarrow [\eta] / -[k, g]$$

$$\left[\begin{array}{c} + \text{خیشومی} \\ + \text{تیغه ای} \end{array} \right] \rightarrow \left[\begin{array}{c} + \text{خیشومی} \\ + \text{نرمکامی} \end{array} \right] / - \left[\begin{array}{c} + \text{همخوان} \\ + \text{نرمکامی} \end{array} \right]$$

بازنمایی قاعده غیرخطی همگونی خیشومی تیغه‌ای با همخوان دهانی بعدی در مشخصه محل تولید به صورت زیر نشان داده می‌شود:

بازنمایی (۱)

بازنمایی زیرساختی:



گسترش مشخصه منبع به هدف و قطع مشخصه هدف:



بازنمایی روساختی:



بازنمایی (۱) نشان می‌دهد که مشخصه خودواحد تیغه‌ای از گره دهانی مسلط بر آن، قطع شده و مشخصه لبی همخوان بعد به آن (گره دهانی در همخوان خیشومی) گسترده شده است.

ب) همگونی همخوان با همخوان در نحوه تولید

مشخصه نحوه تولید پیوستگی، به تنهایی یک خودواحد است که در لایه‌ای مستقل از مشخصه‌های محل تولید و یا واک عمل می‌کند. هیچگاه دو مشخصه نحوه تولید در یک فرایند به طور همزمان و با هم به کار نمی‌روند. در مشخصه [پیوسته] به دلیل اینکه گره ریشه از یک عنصر واجی به عنصری دیگر گسترش می‌یابد، همگونی از نوع کامل رخ می‌دهد (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). در جدول (۲) نمونه‌هایی از همگونی نحوه تولید در گویش کوهمره سرخی آورده شده است.

جدول (۲): همگونی نحوه تولید

واژه	واج نویسی	آوانویسی	واژه	واج نویسی	آوانویسی
	st → ss			zd → zz	
استخوان	/ʔostexan/	[ʔæssexu]	نزدیک	/næzdik/	[næzzik]
استاد	/ʔostad/	[ʔossa]	یازده	/jazdæh/	[jazze]
پسته	/peste/	[pesse]	دزدی	/dozdi/	[dozzi]
شکسته	/fekæste/	[ʔefkæsse]	سیزده	/sizdæh/	[sizze]

در جدول بالا شاهد نمونه‌هایی از همگونی همخوان با همخوان هستیم که در آن‌ها همخوان‌های تیغه‌ای انسدادی /t/ یا /d/ با همخوان‌های سایشی /s/ یا /z/ همگون می‌شوند. در این فرایند همگونی، مشخصه نحوه تولید /s/ و /z/ به همخوان انسدادی گسترش می‌یابد و شاهد سایشی شدن انسدادی به دلیل گسترش مشخصه خودواحد [+پیوسته] هستیم.

قاعده همگونی همخوان با همخوان در نحوه تولید به صورت خطی به صورت زیر است:

$$d \rightarrow z / z _$$

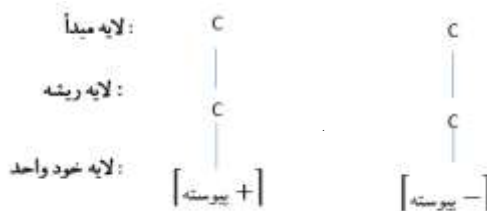
$$\left[\begin{array}{c} + \text{ تیغه ای} \\ - \text{ پیوسته} \end{array} \right] \rightarrow \left[+ \text{ پیوسته} \right] / - \left[\begin{array}{c} + \text{ همخوان} \\ + \text{ پیوسته} \end{array} \right]$$

$$t \rightarrow s / _ s$$

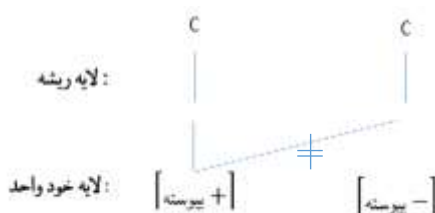
$$\left[\begin{array}{c} + \text{ تیغه ای} \\ - \text{ پیوسته} \end{array} \right] \rightarrow \left[+ \text{ پیوسته} \right] / \left[\begin{array}{c} + \text{ همخوان} \\ + \text{ پیوسته} \end{array} \right] -$$

شکل زیر، فرایند همگونی و بازنمایی‌های زیرساختی و روساختی قاعده $t \rightarrow s / _ s$ را به صورت غیرخطی نمایش می‌دهد.

بازنمایی (۲)

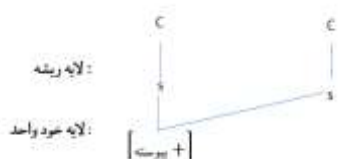


گسترش مشخصه [+پیوسته] از s به t و قطع مشخصه [-پیوسته]:



بازنمایی روساختی

در بازنمایی (۲) ارزش مشخصه نحوه تولید پیوستگی برای همخوان با ارزش [- پیوسته] قطع شده و ارزش همخوان مجاور آن که [+ پیوسته] است به این همخوان گسترش می‌یابد و دو همخوان در این مشخصه با یکدیگر همگون می‌شوند به طوری که در روساخت شاهد دو همخوان پیوسته متوالی هستیم.



۲-۱-۲. همگونی واکه با واکه یا هماهنگی واکه‌ای

همگونی واکه‌ای یا هماهنگی واکه‌ای بدین معنی است که طی آنف یک واکه از یک هجا تحت تأثیر واکه دیگری که در هجای مجاور قرار دارد پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن‌ها یا مختصات واکه مجاور را به خود می‌گیرد و یا مختصاتی نزدیک به آن‌چه در هجاهای مجاور وجود دارد حاصل می‌کند (نک. حق‌شناس، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

هماهنگی واکه‌ای، یا همگونی واکه با واکه، به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، ویژگی‌های صوتی واکه‌ها در یک واژه یا عبارت تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند. در این پدیده، واکه‌ها ممکن است مشخصه‌های مشترکی مانند گردی یا ارتفاع پیدا کنند. از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد، هر واکه شامل چندین مشخصه است که می‌توانند با واکه‌های همجوار تعامل کرده و ویژگی‌های خود را به اشتراک بگذارند، به این ترتیب صداهای همگن‌تری تولید می‌شود.

الف) هماهنگی واکه کوتاه /æ/ با واکه /a/

یکی از انواع همگونی واکه به واکه در این گویش، همگونی واکه کوتاه غیرپسین /æ/ با واکه پسین /a/ است. در جدول (۳) نمونه‌های از این همگونی در گویش کوهمره سرخی نشان داده شده است.

جدول (۳): هماهنگی واکه کوتاه /æ/ با واکه /a/ در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج‌نویسی	آوانویسی
جهان	/dʒæhan/	[dʒahan]
چهار	/tʃæhar/	[tʃahar]
بهار	/bæhar/	[bahar]
سعادت	/sæʔadæt/	[saʔadæt]

قاعده همگونی فوق به صورت زیر خواهد بود که در آن‌ها نماد \$ مرز هجا در یک کلمه را نشان می‌دهد.

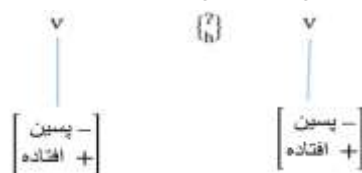
$$\text{æ} \rightarrow \text{a} / \text{c} _ \$ \left\{ \begin{matrix} ? \\ h \end{matrix} \right\} \text{a}$$

$$\left[\begin{matrix} + \text{افتاده} \\ - \text{پسین} \end{matrix} \right] \rightarrow \left[\begin{matrix} + \text{پسین} \\ - \text{افتاده} \end{matrix} \right] / \text{c} _ \$ \left\{ \begin{matrix} ? \\ h \end{matrix} \right\} \left[\begin{matrix} + \text{افتاده} \\ + \text{پسین} \end{matrix} \right]$$

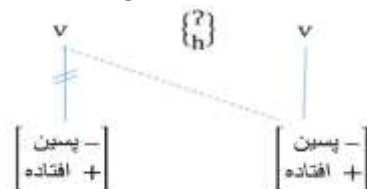
این قاعده نشان می‌دهد که واکه /æ/ قبل از بافت $\left\{ \begin{matrix} ? \\ h \end{matrix} \right\} \text{a}$ ؛ یعنی قبل از /h/ و /ʔ/ در مرز دو هجا در یک کلمه با واکه /a/ همگون می‌شود. در شکل (۳) بازنمایی غیرخطی این قاعده نشان داده شده است.

بازنمایی (۳)

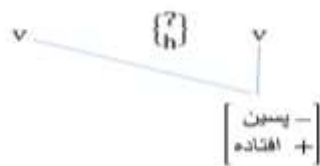
بازنمایی زیرساختی:



گسترش مشخصه پسین از منبع به هدف:



بازنمایی روساختی:



ب) همگونی واکه میانی با واکه افراشته (ارتقای واکه)

در گویش کوهمره سرخی شاهد واژه‌هایی هستیم که واکه در هجای اول که هجای کوتاه CV است و در مرکز هجا یکی از واکه‌های /e/ یا /o/ قرار دارد. هسته هجای دوم یکی از واکه‌های افراشته /i/ یا /u/ است. در این گونه موارد واکه میانی هجای اول به واکه افراشته تبدیل می‌شود (نک. حق شناس، ۱۳۷۸: ۱۵۹). با واکه هجای دوم از نظر مشخصه افراستگی همگون می‌شود.

جدول (۴): همگونی واکه میانی با واکه افراشته در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج نویسی	آوانویسی	واژه	واج نویسی	آوانویسی
e → i					
سیل	/sebil/	[sivil]	بزن	/bezæn/	[bizi]
شوید	/jevid/	[jivid]	بین	/bebin/	[bivin]
بگیر	/begir/	[bigi]			
o → u					
قرآن	/qorʔan/	[kurun]			

در جدول (۴) نمونه‌های از این همگونی آمده است که در آن‌ها واکه‌های /e/ یا /o/ در هجای اول، تبدیل به واکه‌های افراشته /i/ یا /u/ شده‌اند. قاعده همگونی داده‌های فوق به صورت زیر است:

$$e \rightarrow i / c _ \$ c i$$

$$o \rightarrow u / c _ \$ c u$$

قاعده ارتقای واکه‌ای میانی به افراشته، به صورت خطی به این شکل نمایش داده می‌شود.

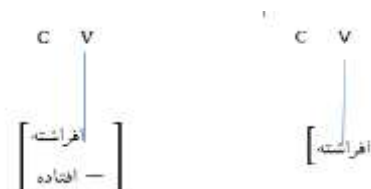
$$\begin{matrix} V & & V & & V \\ \left[\begin{array}{c} - \text{افراشته} \\ - \text{افتاده} \end{array} \right] & \rightarrow & \left[+ \text{افراشته} \right] / c _ \$ c & \left[+ \text{افراشته} \right] \end{matrix}$$

قاعده فوق نشان می‌دهد که واکه‌های میانی در یک هجای باز با واکه‌های افراشته هجای بعدی همگون شده و هماهنگی واکه‌ای به وجود می‌آید. در این قاعده c نماد همخوان است و \$ مرز هجا را نشان می‌دهد.

بازنمایی غیرخطی قاعده فوق به صورت زیر است:

بازنمایی (۴)

بازنمایی زیرساختی:



گسترش مشخصه منبع و قطع مشخصه هدف:



بازنمایی روساختی:



در بازنمایی (۴) مشخصه [-افتاده] قطع و مشخصه [+افراشته] به صورت خودواحد به واکه هجای اول گسترده می‌شود.

۳-۱-۲. همگونی واکه با همخوان^۱

در گویش کوهمره سرخی شاهد فرایندی هستیم که در آن همخوان‌های لبی غیرخیشومی در پایانه هجا به غلت [w] تبدیل شده که تحت عنوان فرایند تضعیف شناخته می‌شود (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۹۹). سپس این فرایند، درون‌داد قاعده دیگری واقع می‌شود که در آن واکه قبل از [w] به واکه [o] تبدیل می‌شود که نوعی همگونی بین غلت [w] و واکه است (همان، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

جدول (۵): همگونی واکه با همخوان در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج‌نویسی	آوانویسی	واژه	واج‌نویسی	آوانویسی
آفتاب	/ʔaftab/	[ʔæftow]	آسیاب	/ʔasijab/	[ʔasijow]
شب	/ʃæb/	[ʃow]	بابونه	/babune/	[bowne]
آب	/ʔab/	[ʔow]	تاوان	/tavan/	[towun]
آبله	/ʔableh/	[ʔowleh]	سوار	/sævar/	[sowar]

[furow]	/fʊrab /	دشت	[tow]	/tæb/	تب
[towær]	/tæbær/	تبر	[sowz]	/sæbz/	سبز
			[ʔowsar]	/ʔæfsar/	افسار

در ادامه، صورت اشتقاقی «تب» [tow] از زیرساخت به روساخت آورده شده است.

/#tæb#/	بازنمایی زیر ساختی
tæw	قاعدهٔ تضعیف
tow	قاعدهٔ همگونی
[tow]	بازنمایی روساختی

قاعدهٔ زیر، فرایند تضعیف را به صورت خطی نشان می دهد.

$$f, v, b \rightarrow [w] / _ \$$$

$$\begin{matrix} c & & c \\ \left[\begin{array}{c} + \text{ لبی} \\ - \text{ خیشومی} \end{array} \right] & \rightarrow & \left[\begin{array}{c} + \text{ افراشته} \\ + \text{ پسین} \end{array} \right] / _ \$ \end{matrix}$$

طبق این قاعده، در گویش کوهمره‌ای، همخوان‌های لبی غیر خیشومی (انسدادی و سایشی‌ها)، در پایانهٔ هجا به غلت [w] تبدیل می‌شوند و این تبدیل بر واکهٔ هستهٔ هجا تأثیر گذاشته و مشخصهٔ [پسین] از غلت به واکهٔ هسته گسترش می‌یابد و آن را به واکه‌ای پسین تبدیل می‌کند؛ یعنی نوعی همگونی میان غلت و واکهٔ پیشین رخ می‌دهد. از سوی دیگر [w] دارای مشخصهٔ [+افراشته] است. این مشخصه نیز به واکهٔ قبل گسترده شده و یک درجه از افراستگی تغییر می‌کند؛ یعنی واکه‌های /æ/ و /ɑ/ با مشخصهٔ [+افتاده] به واکهٔ میانی با مشخصهٔ [-افتاده، -افراشته] ارتقا می‌یابد.

قاعدهٔ زیر نیز همگونی را به روش خطی نمایش می‌دهد.

$$\left\{ \begin{matrix} \text{æ} \\ \text{ɑ} \end{matrix} \right\} \rightarrow o / _ w \$$$

$$\begin{matrix} V & & V & & c \\ \left[\begin{array}{c} + \text{ افتاده} \\ \text{پسین} \alpha \end{array} \right] & \rightarrow & \left[\begin{array}{c} + \text{ پسین} \\ - \text{ افتاده} \end{array} \right] / _ & - & \left[\begin{array}{c} + \text{ پسین} \\ + \text{ افراشته} \end{array} \right] \$ \end{matrix}$$

این قاعده همگونی به روش غیر خطی به شکل زیر نمایش داده می‌شود:



۲-۲. فرایندهای واجی گویش کوهمره سرخی بر اساس اصل قطع

مک‌کارتی (۱۹۸۸: ۸۸) عملگر قطع را در واج‌شناسی غیرخطی معرفی می‌کند که حاکی از فرایندی است که طی آن، مشخصه‌های واجی از ساختار آوایی حذف می‌شوند. در واج‌شناسی خودواحد، این فرایند ناشی از قطع خطوط پیوندی است. این فرایند دو حالت اصلی دارد:

- گاهی واج برای جبران مشخصه حذف شده، به مشخصه‌ای در مجاورت خود پیوند می‌خورد.
 - در برخی موارد، بدون پیوند به مشخصه‌های مجاورت، واج به طور کامل حذف می‌شود.
- بر اساس واج‌شناسی خودواحد، اصل قطع می‌تواند با جبران همراه باشد و حذف مشخصه همراه با پیوند با مشخصه‌های مجاور رخ می‌دهد. فرایند کشش جبرانی از این نوع است (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

۱-۲-۲. فرایند کشش جبرانی (Compensatory lengthening)

کشش جبرانی زمانی رخ می‌دهد که حذف یک واج منجر به کشش واج مجاور آن می‌شود تا وزن هجایی حفظ گردد (هیس: ۱۹۸۹). این فرایند یکی از پیامدهای مستقیم اصل قطع است (گس، ۲۰۱۱). در کشش جبرانی، یک واکه، دو همخوان به دنبال دارد و هنگامی که بر اساس اصل قطع یکی از همخوان‌ها حذف شود، به جبران واج حذف شده، واکه قبلی آن کشیده می‌شود. کشش جبرانی معمولاً به صورت قاعده‌صوری زیر بیان می‌گردد: $VCC \rightarrow V:C$ (آرلاتو، ۱۹۸۱: ۱۲۷). در ادامه مواردی از اعمال این فرایند در گویش کوهمره سرخی بررسی می‌شود.

الف) حذف همخوان چاکنایی و کشش جبرانی

جدول (۶) نمونه‌هایی از اعمال کشش جبرانی در گویش کوهمره سرخی را نشان می‌دهد. با اعمال حذف همخوان چاکنایی، شرایط برای اعمال کشش جبرانی مهیا می‌شود.

جدول (۶) حذف همخوان چاکنایی و کشش جبرانی در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج نویسی	آوانویسی	واژه	واج نویسی	آوانویسی
صابون	/sæʔvin/	[sæ:vin]	دختر	/doht/	[do:t]
حصار	/kehle/	[ke:le]	ثعلب	/sæʔlæb/	[sæ:læb]
سنگی					
شمع	/ʃæʔm/	[ʃa:m]	جست، پرید	/dʒæhs/	[dʒæ:s]
شعر	/ʃeʔr/	[ʃe:r]	پهلوان	/pæhlevan/	[pæ:lu]
شهر	/ʃæhr/	[ʃæ:r]	تلخ	/tæhl/	[tæ:l]
شیهه اسب	/ʃehne/	[ʃe:ne]	برف	/bæhl/	[bæ:l]

داده‌ها حاکی از حذف همخوان چاکنایی از پایانه هجا است که به کشش جبرانی در این گویش منجر می‌شود. طبق این قاعده، انسدادی چاکنایی و سایشی چاکنایی حذف شده و واکه مجاور کشیده می‌شود.

قاعده حذف انسدادی و سایشی چاکنایی به صورت زیر است.

$$\left\{ \begin{matrix} ? \\ h \end{matrix} \right\} \rightarrow \begin{matrix} \mu \\ | \\ \emptyset \end{matrix} / v \left\{ \begin{matrix} \text{---} \\ c \end{matrix} \right\}$$

قاعده فوق نشان می‌دهد که حذف همخوان چاکنایی در لایه واجی از خوشه پایانه صورت می‌گیرد، به طوری که مورای آن در لایه مبنا باقی می‌ماند.



این قاعده باعث می‌شود زمینه برای کشش واکه قبلی مهیا شود و آن را تغذیه کند.

قاعده کشش جبرانی واکه:

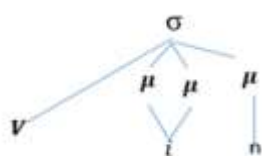
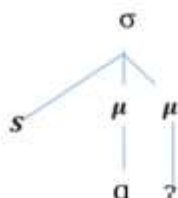


بازنمایی (۵) مراحل اشتقاق کلمه [sæ:vin] را از زیرساخت تا روساخت نشان می‌دهد.

بازنمایی (۵)

/sæʔvin/ → [sæ:vin] (صابون)

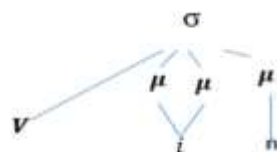
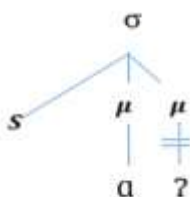
بازنمایی زیرساختی در نظریه مورایی



قاعده حذف همخوان چاکنایی

$$\{\text{ʔ}\} \rightarrow \begin{matrix} \mu \\ | \\ \emptyset \end{matrix} / v \quad \begin{matrix} \text{---}^c \\ \text{c} \text{---} \end{matrix}$$

حذف همخوان چاکنایی



قاعده کشش جبرانی در نظریه مورایی

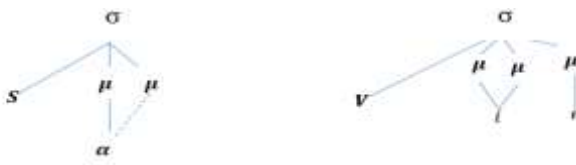


کشش جبرانی زمانی به وجود می‌آید که مورای آزاد در پایانه هجا به هیچ عنصر واجی در لایه واج متصل نباشد. این فرایند، واج آزاد را با توجه به اصول پیوندی به عنصری در لایه واج متصل می‌کند. (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۲۴). بر طبق اصول پیوندی، اگر عنصری از لایه واج حذف شده و جایگاهی در لایه مبنا باقی مانده باشد، بر طبق اصول «فشردگی»، جایگاه آزاد به واحدی واجی در لایه واج متصل شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۲۹). این اصل، فرایندی است که طی آن مورای آزاد شده در اثر

بررسی فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی... (ص ۷۴-۱۰۳) ----- مژگان هوشمند و همکار ۹۱

حذف واج، به واج مجاور متصل می‌شود تا وزن واجی حفظ شود (هیس، ۱۹۸۹). در این گویش نیز این امکان برای واکه وجود دارد.

کشش جبرانی و کاربرد اصل فشردگی



ب) حذف غلت و کشش جبرانی واکه

همچنین در این گویش، شاهد نمونه‌های هستیم که در آن‌ها غلت پایانه هجا حذف شده و واکه هسته کشیده می‌شود. در واقع، در این نمونه‌ها نیز واج برای جبران مشخصه حذف شده، به مشخصه‌ای در مجاورت خود پیوند می‌خورد (جدول ۷).

جدول (۷): حذف غلت و کشش جبرانی واکه در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج‌نویسی	آوانویسی
باز	/besow/	[beso:]
نوعی آویشن کوهی	/ʔowšom – keru/	[ʔo: fom – keru]
آبستن	/ʔowson/	[ʔo: son]
پیا	/biow/	[bio:]
اسلحه کمری	/piŋtow/	[piŋto:]
بشقاب	/dowri/	[do: ri]

قاعده مربوط به حذف غلت و کشش جبرانی واکه در ادامه آمده است.



قاعده کشش جبرانی:

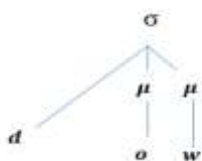


بازنمایی (۶) مراحل اشتقاق واژه [do:ri] را از زیرساخت تا روساخت نمایش می‌دهد.

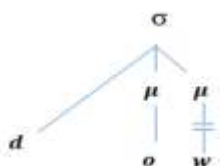
بازنمایی (۶)

دوری (بشقاب) /dowri/ → [do:ri]

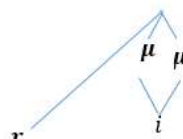
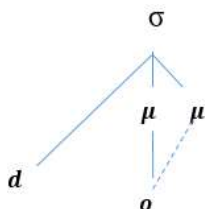
بازنمایی زیرساختی:



حذف غلت طبق قاعده

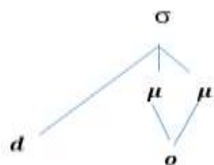


کشش جبرانی طبق قاعده



همان طور که قبلاً گفته شد، در این نمونه هم طبق اصل فشردگی، شاهد پیوند مورای باقی مانده به عنصر واجی /o/ و کشش جبرانی این واکه هستیم.

بازنمایی روساختی



باید توجه کرد که هر دو مورد کشش جبرانی بررسی شده در هجاهایی اتفاق می افتد که واکه آنها یکی از واکه‌های کوتاه /e/، /o/ یا /æ/ باشد که یک جایگاه را در لایه مبنا به خود اختصاص داده‌اند و می‌توانند طی فرایند کشش به دو مورا گسترش یابند.

ج) کشش جبرانی همخوان در مرز دو هجا

کوتاه شدن واکه کشیده هجای اول، به کشش جبرانی همخوان در مرز دو هجا منجر می‌شود (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۳۷). در جدول (۸) واژه‌هایی که حاصل اعمال این قاعده در گویش کوهمره سرخی هستند آمده است.

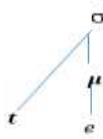
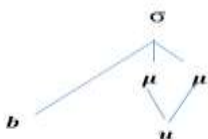
جدول (۸): کشش جبرانی همخوان در مرز دو هجا

آوانویسی	واج‌نویسی	واژه
[botte]	/bute/	بوته
[qotti]	/quti/	قوٹی

در ادامه، اشتقاق واژه بوته [botte] از زیرساخت به روساخت آمده است.

بازنمایی (۷)

بازنمایی زیرساختی

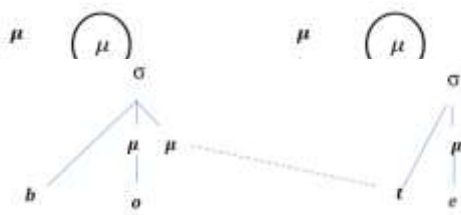


کوتاه شدن واکه کشیده هجای اول $u \rightarrow o$



پس از حذف یکی از موراهای واکه کشیده $u/$ که دو مورا را به خود اختصاص می‌دهد، یک جایگاه در لایه مبنا باقی می‌ماند. در واقع، اعمال این قاعده امکان کشش جبرانی را فراهم می‌کند و آن را تغذیه می‌کند.

قاعده کشش جبرانی



کشش جبرانی مطابق قاعده فوق



طبق اصل فشردگی، شاهد گسترش مورای باقی‌مانده در لایه زمان، به همخوان $t/$ هستیم. بازنمایی روساختی



این فرایند؛ یعنی کشش همخوان، به صورت تشدید نمایان می‌شود.

۲-۲-۲. فرایند حذف

در واج‌شناسی خودواحد، کاربرد دیگر اصل قطع شامل قطع کامل بدون جبران و پیوند به مشخصه‌های مجاور است. در نتیجه این فرایند، یک عنصر واجی با تمام لایه‌هایش کاملاً حذف می‌شود.

الف) حذف همخوان واکدار پایانی: نمونه دیگری از اعمال فرایند حذف در گویش کوهمره‌ای مشاهده می‌شود که در آن همخوان /d/ در موضع پایان واژه حذف می‌شود (جدول ۹).

جدول (۹): حذف همخوان واکدار پایانی در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج نویسی	آوانویسی	واژه	واج نویسی	آوانویسی
دوغ	/duq/	[du]	سفید	/sefid/	[sefi]
داماد	/damad/	[duma]	زد	/zæd/	[zæ]

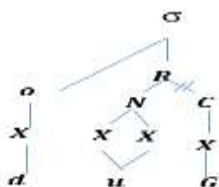
این قاعده حذف به روش خطی به صورت زیر نمایش داده می‌شود.

$$\begin{array}{c} x \\ | \\ c \\ | \\ \left[\begin{array}{l} + \text{همخوانی} \\ + \text{واک} \end{array} \right] \end{array} \rightarrow \emptyset / _ \#$$

قاعده حذف به روش غیرخطی در ادامه آمده است.

بازنمایی (۸)

بازنمایی زیرساختی:



بازنمایی روساختی:



ب) حذف همخوان /d/ بعد از خیشومی /n/: در این گویش نمونه دیگری از فرایند حذف رخ می‌دهد که مثال‌های آن در جدول (۱۰) آمده است.

جدول (۱۰): قاعده حذف /d/ بعد از واج /n/

واژه	واج نویسی	آوانویسی
خنده	/xænd	[xæne]
دندان	/dændan/	[dænu]
گندم	/gændom/	[gænom]

این قاعده حذف به روش خطی به شکل زیر نمایش داده می‌شود.

$C \rightarrow \emptyset$	/	$C \quad \$ \quad -$
$\begin{bmatrix} + \text{ تیغه ای} \\ - \text{ پیوسته} \\ - \text{ خیشومی} \\ + \text{ واک} \end{bmatrix}$		$\begin{bmatrix} + \text{ تیغه ای} \\ + \text{ خیشومی} \end{bmatrix}$

بازنمایی قاعده حذف فوق به روش غیر خطی این گونه است:

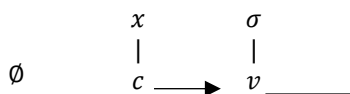
بازنمایی (۹)

بازنمایی زیرساختی:



حذف آغازه هجای دوم:

به علت محدودیت وجود عنصر همخوانی در آغازه هجا شاهد اعمال قاعده زیر هستیم.



سپس آغازه تهی با پایانه هجای قبلی پیوند می خورد.

پیوند آغازه تهی با پایانه هجای قبلی و قطع پیوند اولیه:



بازنمایی روساختی:



۳-۲-۲. فرایند کوتاه‌شدگی^۱

«هرگاه یک واکه کشیده به واکه‌ای کوتاه تبدیل شود، فرایند کوتاه‌شدگی واکه رخ داده است» (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۶۴). چنانکه از داده‌های جدول (۱۱) برمی‌آید در گویش کوهمره سرخی شاهد کوتاه شدن واکه‌های کشیده قبل از همخوان /h/ هستیم.

جدول (۱۱): کوتاه‌شدگی واکه در گویش کوهمره سرخی

واژه	واج نویسی	آوانویسی	واژه	واج نویسی	آوانویسی
$\text{æ} \rightarrow \text{a}$					
پناه	/pənəh/	[pənæh]	زود	/gəh/	[gæh]
چاه	/tʃəh/	[tʃæh]	راه	/rah/	[ræh]
روباہ	/rubəh/	[ruwæ]	کوتاه	/kutəh/	[kutæh]
$\text{u} \rightarrow \text{o}$					
کوه	/kuh/ →	[koh]			

در واقع، در صورتی که فرایند حذف /h/ رخ ندهد، واکه‌های کشیده قبل از این همخوان تبدیل به واکه کوتاه می‌شوند. این موضوع بیانگر این است که برای رسیدن به هجای متوسط 'cvc' چندین راه وجود دارد (نک. کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

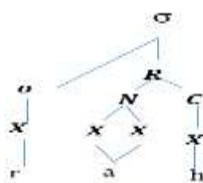
قاعده کوتاه‌شدگی واکه‌های کشیده قبل از همخوان /h/ به روش خطی به صورت زیر است:



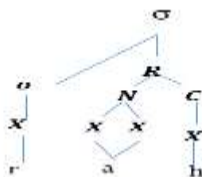
این قاعده نشان می‌دهد که واکه‌های کشیده که به دو مورا متصل هستند، قبل از همخوان /h/ به واکه‌های کوتاه تبدیل می‌شوند. قاعده فوق به روش غیرخطی این‌گونه نمایش داده می‌شود:

بازنمایی زیر مراحل اشتقاق واژه [ræh] را نشان می‌دهد.

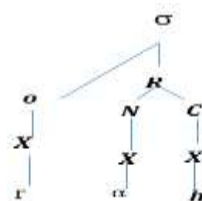
بازنمایی (۱۰)



بازنمایی زیرساختی: /rah/ → [ræh]



بازنمایی روساختی:



واکه کشیده که به دو مورا متصل است، قبل از همخوان /h/ به واکه کوتاه /æ/ تبدیل می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی بر اساس رویکرد واج‌شناسی خودواحد بوده است. واج‌شناسی خودواحد با تمرکز بر روابط میان واحدهای واجی، به ما امکان بررسی عمیق‌تری از ساز و کارهای زبانی را می‌دهد. در این راستا، تلاشی صورت پذیرفت تا فرایندهای همگونی، حذف، کشش جبرانی و کوتاه‌شدگی که از جمله فرایندهای رایج در بیشتر زبان‌ها و گویش‌ها هستند، معرفی و بررسی شوند.

بدین منظور، داده‌هایی که به کمک گویشوران و همچنین با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مرتبط جمع‌آوری شده بود، بررسی شد. داده‌های پژوهش حاکی از اعمال گسترش در قالب فرایند همگونی همخوان با همخوان از نظر جایگاه تولید، همگونی /ɲ/ به همخوان‌های خیشومی لبی و کامی در مجاورت واج‌های لبی و کامی، و نیز از نظر نحوه تولید، همگونی واج‌های انسدادی /t/ یا /d/ با همخوان‌های سایشی /s/ یا /z/، بود. همچنین در این گویش هماهنگی واکه‌ای در قالب هماهنگی واکه کوتاه /æ/

با واکه /a/، و ارتقای واکه به صورت تبدیل واکه‌های /e/ یا /o/ در هجای اول تبدیل به واکه‌های افراشته /i/ یا /u/ نیز به کار می‌رود.

نوع دیگر همگونی که مشاهده شد در موقعیت‌هایی است که در آن‌ها همخوان‌های لبی غیرخیشومی در پایانه هجا به غلت [w] تبدیل می‌شوند. سپس فرایند همگونی بین غلت [w] و واکه قبل آن رخ داده و آن واکه به [o] تبدیل می‌شود. یافته‌ها نشان داد در میان همخوان‌ها تبدیل توالی [st به ss]، [nb به mb] و [zd به zz] و در میان واکه‌ها هماهنگی واکه [e با i] و [u با o] پرکاربردتر است. بررسی داده‌ها نشان داد اصل قطع نیز در این گویش کاربرد زیادی دارد. اصل قطع، می‌تواند به عنوان یک راهبرد اقتصادی زبان در نظر گرفته شود که به گویشوران کمک می‌کند تا با صرفه‌جویی در انرژی گفتاری، ارتباطات خود را تسهیل کنند. این فرایند به دو گونه عمل می‌کند. ممکن است قطع با جبران همراه باشد یا به صورت حذف کامل و بدون جبران. حذف کامل در این گویش به سه صورت رخ می‌دهد: حذف همخوان‌های انسدادی /t,d/ از خوشه‌های همخوانی /zd/ و /st/، حذف همخوان /d/ پایانی و همخوان /d/ بعد از واج /n/ در مرز هجا.

کشش جبرانی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مهم واجی در گویش کوهمره سرخی است که نیاز به حفظ تعادل در ساختار واجی را نشان می‌دهد. در داده‌های گویش، شاهد حذف همخوان انسدادی چاکنایی و سایشی چاکنایی همراه با کشش جبرانی واکه قبل، حذف غلت و کشش واکه مجاور و نیز کشش جبرانی همخوان در مرز دو هجا پس از کوتاه شدن واکه کشیده هجای اول بودیم.

یافته‌ها نشان داد که توصیف برخی از فرایندهای واجی نظیر همگونی و کشش جبرانی به روش غیر خطی کارآمدتر است. در نهایت، این پژوهش نه تنها به درک عمیق‌تری از ساختار واجی گویش کوهمره کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنای تحقیقات آینده در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی و جامعه‌شناسی زبان قرار گیرد. همچنین نتایج این مطالعه می‌تواند به پژوهشگران و زبان‌آموزان کمک کند تا با ویژگی‌های خاص این گویش آشنا شوند و به غنای مطالعات زبان‌شناسی بومی بیفزاید.

منابع

آرلاتو، آتونی (۱۹۸۱). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اسلامی، محرم (۱۳۸۴). واج‌شناسی: تحلیل نظام آهنگ زبان فارسی. تهران: سمت.

امیری، عاطفه، و زارعی، مریم (۱۳۹۳). بررسی واج‌شناسی گویش آواده‌ای. ادبیات و زبان‌های ادبی

ایران زمین، ۴ (۱)، ۲۸-۱. Doi: 20.1001.1.2345217.1393.4.1.1.5

- بررسی فرایندهای واجی در گویش کوهمره سرخی... (ص ۷۴-۱۰۳) -----مژگان هوشمند و همکار ۱۰۱
- بی جن خان، محمود (۱۳۸۴). واج شناسی، نظریه بهینگی، چاپ ششم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- پارسانسب، محمد (۱۳۹۰). توصیف آوایی گویش تاتی اشتهاردی. مطالعات بلاغی، ۲ (۴)، ۳۵-۵۰.
Doi: 10.22075/jlrs.2017.1804
- پرمون، یدالله. (۱۳۷۶). نظام آوایی گونه کرمانی از دیدگاه واج شناسی جزء مستقل و زایشی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۸). واکه کاهی در گویش کرمان. نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، ویژه نامه زبان شناسی، ۱ (۱)، ۱۲-۲۵.
- پوراصفهان، آیدا، و فاتحیان، طیبه (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج شناسی خودواحد. مجموعه مقالات: همایش بین المللی گویش های مناطق کویری ایران، صص ۱۶۴۷-۱۶۷۸.
- حسامپور، سعید، و جبار، عظیم (۱۳۹۰). دستور زبان و فرهنگ واژه های کوهمره سرخی. شیراز: آوند اندیشه.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۸). آواشناسی (فونتیک)، چاپ هفتم، تهران: آگاه.
- خلیفه‌لو، سید فرید، و عزت آبادی پور، طاهره (۱۴۰۱). بررسی فرایند تضعیف در گویش سیرجانی: واج شناسی خودواحد. ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، ۱۲ (۱)، ۷۴-۴۹.
Doi: 10.30495/IRLL.2022.1921575.1415
- رنجبر، حسن (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل فرایندهای واجی گویش کوهمره سرخی. مطالعات نقد زبانی و ادبی، ۴ (۳)، ۳۰-۵۸.
- زارع، آمنه، و رنجبر، عباس (۱۳۸۷). فرایند همگونی در گویش جهرمی در چارچوب نظریه هندسه مشخصه ای کلمنتس. گویش شناسی، ۷ (۱)، ۱۹-۳۱.
- زارعی فرد، رها، و جهانیان، خدیجه (۱۳۹۵). بررسی زبان شناختی لهجه شیرازی با تکیه بر گویش آسیویی. دومین کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش های تطبیقی در آن. گرگان.
- سلندری رابری، مرادعلی (۱۳۹۹). بررسی فرایندهای واجی حذف و درج در گویش شهرستان رابر بر مبنای نظریه بهینگی. زبان شناسی گویش های ایرانی، ۵ (۱)، ۲۷۵-۲۹۷.
Doi: 10.22099/JILL.2021.35828.1185
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس). تهران، نشر نی.

صادقی، وحید (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل فرایندهای واجی در گویش فارسی تهرانی بر اساس واج‌شناسی خودواحد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

عزت‌آبادی‌پور، طاهره، و محمودآبادی، لاله (۱۴۰۰). بررسی فرایند تضعیف در واژگان از فارسی میانه به فارسی دری در چارچوب واج‌شناسی زایشی. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۱ (۱)، ۱۴۱-۱۲۳.
Doi: 10.30495/irll.2021.682587

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۸۵). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد. تهران: انتشارات سمت.
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ، و رزم‌دیده، پریا (۱۳۹۱). بررسی فرایندهای واجی در ۱۵ گونه زبانی استان کرمان. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱ (۳)، ۱۳۹ - ۱۶۴. Doi: 20.1001.1.2345217.1392.3.1.6.3

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۹۲). مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار. جستارهای زبانی، ۴ (۱)، ۱۷۹-۱۵۱.

مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴). ساخت آوایی زبان. مشهد: دانشگاه فردوسی.

مهدوی، فرشته (۱۳۸۹). بررسی همگونی واجی در گونه اصفهانی بر اساس نظریه خودواحد. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، ۲۰۶۶-۲۰۵۳.

میکده، اعظم (۱۳۹۵). فرایندهای واجی همخوانی در گونه فریمانی بر پایه واج‌شناسی خودواحد. ادب و زبان، ۱۹ (۴۰)، ۳۲۱-۳۴۶. Doi: 10.22103/JLL.2016.1586

Clements, G. N. (1985). The geometry of phonological features. *Phonology*, 2, 225-252.

Gess, R. 2011. Compensatory lengthening. In M. van Oostendorp, C. Ewen, E. Hume & K. Rice (eds.) *The Blackwell Companion to Phonology* (vol. 3). Malden, MA: Wiley-Blackwell. 1513-1536.

Goldsmith, J. A. (1976). An overview of autosegmental phonology. *Linguistics Analysis*, 23-68.

Halle, M. (1992). *The Russian declension: An illustration of distributed morphology. To appear in the organization of phonology: Features and domains*. CSLI, Stanford University.

Haruka, F. (1999). Theoretical implications of OCP effects on features in optimality theory, PhD dissertation, University of Maryland.

Hayes, B. (1989). Compensatory lengthening in moraic phonology. *Linguistic Inquiry*, 20(2), 253-306.

Kenstowicz, M. & Kisseberth, C, (1997). *Generative Phonology*. New York: Academic Press.

Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell Publishers.

Kisseberth, C., & McCarthy, J. (1979). *Phonetics and phonology*. New York: Academic Press

Lazard, G. (1992). *A grammar of contemporary Persian*. California and New York: Cosmes.

McCarthy, J. (1988). Feature geometry and dependency. *Phonology*, 43, 84-108.